



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

کارکرد مولفه‌های فانتزی در

مردمک‌های قرمز اثر جیران ماهتابی، کتاب نفرین گربه اثر الهام فلاح و کتاب
مرده‌ای که حالش خوب است اثر احمد آرام

فایزه عرب یوسف آبادی^۱، نوشین حسانی^۲

۱- استاد و دانشیار دانشگاه دولتی زابل

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه دولتی زابل

چکیده

فانتزی، یکی از گونه‌های ادبی است. فانتزی‌نویس با عبور از دنیای واقعی و شکست قواعد و چارچوب‌های رایج آن، دنیای نوین با قوانین جدید می‌آفریند. دنیایی که سرشار از عناصر و وقایع شگفت‌آور و موجودات عجیب‌وغریب است. ادبیات فانتزی در آثار هر ملتی پیشینه طولانی دارد. فانتزی جز ژانرهای کاربردی در ادبیات کودک و نوجوان است. مهم‌ترین عامل کاربرد این نوع، به سبب تخیلی و محال بودن وقوع آن در دنیای واقعی است. نگارنده در این پژوهش سعی دارد به استخراج مولفه‌های فانتزی در سه اثر بپردازد. کتاب مردمک‌های قرمز اثر جیران ماهتابی، کتاب نفرین گربه اثر الهام فلاح و کتاب مرده‌ای که حالش خوب است اثر احمد آرام است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که در هر سه اثر نویسنده به کمک عناصری چون موضوعات جذاب و درون‌مایه‌های تخیلی، ژرف‌ساخت فانتزی داستان را مطرح می‌کند. وجود شخصیت‌ها و موجودات جادویی در ایجاد این داستان‌ها بسیار قوی و پر رنگ جلوه داده می‌شوند.



همچنین در کتاب احمد آرام، ذهنیت نویسنده با بهره‌گیری از افسانه‌ها و ادبیات کهن، سعی در بازنویسی این آثار برای مخاطب کودک و نوجوان خود دارد.

کلیدواژه:

فانتزی، ادبیات کودک و نوجوان، کتاب مردمک‌های قرمز، نفرین گربه، مرده‌ای که حالش خوب است

۱. مقدمه

نویسنده ژانر فانتزی در آثار خود دست به کشف تجارب نو می‌زند و می‌کوشند با ایجاد فضاهای خارق‌العاده و شگفت‌انگیز، انسان اسیر در عالم علم و خرد را در سرزمین داستان و ایجاد فضاهای خارق‌العاده و شگفت‌انگیز، انسان اسیر در عالم علم و خرد را در سرزمین داستان به آرزوهای دور و درازش برسانند. خاستگاه اولیه فانتزی در دنیای غرب، در قرن نوزدهم، در بریتانیای عصر ویکتوریا بوده است. با گذر زمان و بروز زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در دیگر کشورها همچون آمریکا، ایتالیا، فرانسه، سوئد و آلمان نیز فانتزی‌های ارزشمندی به نگارش درآمدند.

گفتنی است نخستین فانتزی‌های ایرانی در اوایل دهه ۱۳۰۰ هجری شمسی نوشته شدند، اما به دلیل نبود بستر اجتماعی و فرهنگی مناسب، تقلیدهایی خام و ناکارآمد از آب درآمدند؛ اگرچه در ادامه، شاهد ترجمه‌های درخشانی از بهترین آثار فانتزی جهان هستیم، اما توجه به تکلیف فانتزی به شکل انبوه، به دلیل فراهم نبودن اسباب لازم، تا پایان دهه ۶۰ میسر نشد. سرانجام در اوایل دهه ۷۰، پس از پایان جنگ ایران و عراق، با بازگشتن آرامش به فضا، تألیف فانتزی ابتدا به شکلی کم‌رنگ و در ادامه تا امروز به شکل مستمر دنبال شده است.

بازتاب عالم واقع و حوادث طبیعی در فانتزی با دیگر آثار ادبی تفاوت دارد. فانتزی نه به طور کامل جذب واقعیت می‌شود و نه از آن گریزان است؛ بلکه تلفیقی دلنشین از دو دنیای تخیلی و واقعی ایجاد می‌کند. در این گونه آثار یا دو دنیای واقعی و خیالی هم‌راستا با هم پیش می‌روند و یا این‌که به هم درمی‌آمیزند.



۲. بیان مسئله

از آنجایی که کودکان و نوجوانان تأثیرپذیری نسبتاً زیادی از حوادث پیرامون، شنیده‌ها و دیده‌های خود دارند، بنابراین می‌توان از طریق ادبیات کودک، الگوهای رفتاری مناسب را در ذهنشان ایجاد نمود. باتوجه به پیشرفت تکنولوژی و تمایل بیشتر کودکان و نوجوانان به بازی‌های کامپیوتری (نسبت به مطالعه و شنیدن شعر و قصه) فانتزی در ادبیات کودک باتوجه به فضای غیرواقعی و جذاب‌تر خود می‌تواند نقش بسیار مهمی در جذب کودکان به سمت دنیای ادبیات داشته باشد. اما یکی از موانع موجود بر سر این راه ضعف پرداخت‌های فانتزی در ادبیات کودک ایران و فاصله چشمگیر آن با نمونه‌های خارجی است که باعث شده است کودکان و نوجوانان ایرانی تمایل چندانی به ادبیات فانتزی داخلی نشان دهند. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که ادبیات ملی هر کشور حاوی نکات اخلاقی و آموزنده متناسب با آن کشور است و اگر بتوان با توسعه سبک فانتزی در ادبیات کودک، توجه کودکان را به ادبیات کودک ایران جلب نمود، این امکان فراهم می‌شود که اخلاق و رفتار متناسب با فرهنگ ایرانی را به کودکان القا نمود.

۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

فانتزی به دلیل بهره‌گیری از تخیل و عالم غیرواقع از کاربردی‌ترین گونه‌های ادبی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان است. در آثار فانتزی، عمدتاً به نیازهای روان‌شناختی کودک از جمله، میل به دوست داشته شدن و عشق‌ورزیدن، شناخت مناسبات اجتماعی، آشنایی با پدیده‌های جهان و آگاهی‌یافتن از علوم و دانش‌های گوناگون پرداخته می‌شود. کودکان هنگام خواندن آثار فانتزی از قرارگرفتن و تجسم دنیای خیالی و از دیدگاه‌های نامحدودی که پیش رویشان گشوده می‌شود، غرق در شادی و لذت می‌شوند. فانتزی، همچنین سبب گریز و فرار موقتی انسان از واقعیت‌ها می‌شود و همین فاصله‌گرفتن گذرا از دنیای واقعی و روزمرگی‌ها لذت‌بخش است. علاوه بر آن نباید از یاد برد که زندگی همه



کودکان راحت و بی‌دغدغه نمی‌گذرد؛ بنابراین، کودکانی که تجارب شوم و بی‌رحمانه زندگی‌شان موجب می‌شود که داستان‌های واقعی هم از نظر آنها ساختگی جلوه کند، ممکن است برایشان خوشایند باشد که فرصتی به دست آورند که به دنیای فانتزی راه یابند. در دنیای فانتزی، خوبی بر بدی غلبه می‌کند و عاقبت حق و عدالت در آن حکم‌فرما می‌شود. امروزه نویسندگان برجسته ادبیات کودک و نوجوان ایران می‌کوشند با مطالعه و گزینش دقیق آثار کهن ادبیات فارسی به پرورش و خلق دوباره این آثار در قالب پردازند. همین امر، نشان‌دهنده ضرورت توجه به مبحث فانتزی در ادبیات کودک و نوجوان است.

۴. روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی است که با مراجعه به اسناد و مدارک کتابخانه‌ای صورت گرفته است. برای انجام پژوهش، ابتدا تعریفی جامع و کامل از ادبیات فانتزی ارائه شده است، سپس ویژگی‌های این گونه ادبی بیان گردیده و در ادامه مولفه‌های ادبیات فانتزی در جامعه آماری پژوهش (مردمک‌های قرمز اثر جیران ماهتابی، نفرین گربه اثر الهام فلاح، مرده‌ای که حالش خوب است اثر احمد آرام) بررسی و مقایسه شده است.

۵. پیشینه پژوهش

پور خالقی و چترودی در سال ۱۳۸۹ به بررسی فانتزی و شیوه‌های فانتزی سازی شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان پرداختند. آنها در پژوهش خود نخست ژانر فانتزی را معرفی کرده و به اهداف فانتزی سازی از داستان‌های اسطوره‌ای و حماسی پرداختند. سپس عناصر سازنده این نوع را که شامل شخصیت‌سازی و شخصیت‌پردازی، دورنمایه‌پردازی و راه‌های ورود به فانتزی می‌شود، بر اساس الگوبرداری از پانزده نمونه اثر پدیدآمده در این ژانر، دسته‌بندی کردند و در هر قسمت یافته‌ها را با برخی از داستان‌های شاهنامه مطابقت دادند و باتوجه به این قیاس بخش‌های مناسب برای فانتزی‌سازی شاهنامه را معرفی نمودند.



مصطفوی و جمالی در سال ۱۳۸۹ مطالعه‌ای بر روی فانتزی، چیستی و تاریخچه آن در ادبیات جهان و ایران انجام دادند. در این مطالعه آنها، پس از تعریف فانتزی و بحثی در چیستی آن، کوشش کردند تا از طریق بررسی تاریخچه و تکامل فانتزی در ادبیات فارسی، وضعیت امروزی آن را نشان دهند.

جمالی و خجسته در سال ۱۳۹۳ ضمن انتشار مقاله‌ای به بررسی کارکرد فانتزی همچون تمهیدی کلیشه‌شکن در داستان‌های برگزیده کودک و نوجوان پس از انقلاب اسلامی پرداختند. در این مقاله کوشش شده است یکی از عوامل، یعنی تأثیر فضای فانتزی و شخصیت‌های فانتاستیک بر میزان کلیشه‌ها، بررسی شود. بدین منظور تعدادی از فانتزی‌های برگزیده سه نهاد شناخته شده در حوزه کودک و نوجوان، به‌عنوان پیکره پژوهش انتخاب و تحلیل شدند. یافته نهایی مقاله بر آن است که شدت و ضعف بازتاب کلیشه‌های جنسیتی رابطه مستقیمی با واقعیت و فرا واقعیت دارد. در داستان‌هایی که هیچ عنصر و پدیده‌ای از جهان واقع وجود ندارد، کلیشه‌ها دیده نمی‌شوند. در داستان‌هایی که از دو عالم فراتری و فروتری و شخصیت‌های فانتاستیک و انسانی ترکیب شده‌اند، کلیشه‌ها تنها در بخش غیر فانتزی دیده می‌شود و در نهایت در داستان‌هایی که غلبه با واقع‌گرایی است و عناصر و شخصیت‌های فانتاستیک محدودتری دیده می‌شود، کلیشه‌های جنسیتی پررنگ‌ترند.

محمدی در سال ۱۳۷۸ به بررسی فانتزی در ادبیات کودک پرداخت و به اهمیت‌ها، نقش‌ها، اصول، ویژگی‌ها و کاربردهای آن به طور جامع اشاره نمود.

کریمی در سال ۱۳۸۵ به بررسی سرچشمه‌های فانتزی در ادبیات کهن فارسی پرداخت و اولین جرقه‌های فانتزی در ادبیات ایران و تأثیر آن بر فعالیت‌های شاعران و نویسندگان معاصر را برشمرد.

هافل در سال ۲۰۱۰ با ضمن بررسی علاقه‌مندی‌های کودکان انگلیسی به داستان‌های فانتزی، ساختارهای جدید این سبک از ادبیات کودک را تعیین نمود و نوآوری‌های مناسب دیده شده در این سبک را مورد بررسی قرار داد.



۶. مبانی نظری پژوهش

در فرهنگ‌های زبان انگلیسی تعاریفی از فانتزی آمده که از میان آنها می‌توان به مفاهیم زیر اشاره کرد: تخیل، هوی و هوس، نوآوری‌های خیالی و ابداع تخیلی.

در فرهنگ معین مفاهیم زیر برای فانتزی آمده است:

۱. «خیال و تصور، ۲. هوی و هوس، ۳. تفنن، ۴. (در تداول روزنامه‌ها) نوشته‌ای که پایبند اصول خاص یک سبک نباشد و ناشی از تفکرات نویسنده و برای تفنن نوشته شده باشد و ۵. آهنگی بی‌قاعده و آزاد که مبین اوهام و تخیلات آهنگساز باشد. (معین، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۴۷۹)

به عبارت دیگر، فانتزی به آن بخش از ادبیات گفته می‌شود که «در آن وقایع، فضاها و شخصیت‌های داستانی خارج از قلمرو و باورها حضور داشته باشند. فانتزی داستانی است که احتمال وقوع آن در دنیای واقعی نمی‌رود و به همین دلیل، آن را ادبیات تخیلی غیرممکن نام نهاده‌اند. در این داستان‌ها حیوانات سخن می‌گویند، اجسام بی‌روح جان می‌گیرند و شخصیت‌ها یا گول‌پیکرند یا بندانگشتی.» (براون و همکاران، ۱۳۷۴: ۱۸)

کرنی چایکوفسکی^۱، منتقد ادبی و نویسنده برجسته کتاب کودکان شوروی سابق، می‌نویسد: «فانتزی ارزشمندترین ویژگی ذهن انسان است و نه تنها نباید آن را پایمال کرد بلکه همانند پرورش حساسیت به موسیقی باید آن را از سال‌های اولیه کودکی، پرورش داد. ارزش چنین قصه‌هایی در این است که تفکر و واکنش‌های عاطفی کودکان را بسط می‌دهد و در ضمن، هویت او را غنی و توانمند می‌کند.

روان‌شناسان، فانتزی را یک دفاع در برابر واقعیات ناخوشایند فشار روانی انسان می‌دانند؛ چرا که در یک اثر فانتزی، علاوه بر گرایش به تخیلات و موهومات معمولاً جنبه‌های فکاهی نیز وجود دارد؛ به عبارتی، فانتزی را دفاع در برابر

^۱ Korni Cheikofski



واقعیات ناخوشایند روانی، یک داروی مسکن برای درمان شکست‌ها، امیال ارضا نشده و ناکامی‌های انسان تلقی

می‌کنند.» (گرانت، ۱۳۸۸: ۳۹)

۶-۱- تقسیم‌بندی فانتزی

به طور کلی، فانتزی‌ها در ایران به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند:

۱. «فانتزی عام ۲. فانتزی مدرن.

در فانتزی عام، نویسنده از عناصر ادبیات پیشین استفاده می‌کند و آنها را به دنیای حاضر کودکان و نوجوانان می‌کشد؛ به عبارتی، فانتزی عام بسیار خوش‌ساخت است و مشخصه‌اش این است که به خواننده کمک می‌کند تا خودش تخیل را به شکل مستقیم از دل داستان بیرون بکشد؛ این نوع فانتزی بیشتر مورد استقبال نویسندگان و خوانندگان قرار می‌گیرد، اما در فانتزی مدرن خواننده در جست‌وجوی تخیل نیست، بلکه تخیل به او القا می‌شود. در هر دو نوع فانتزی، وجوه مشترکی مانند تکراری نبودن محتوا، قرارگرفتن عناصر جدا از هم در محور هم‌نشینی و ترکیب عناصر برای خلق اثری بدیع به چشم می‌خورد. (شاه‌آبادی، ۱۳۸۲: ۱۲)

۶-۲- اصول اساسی فانتزی

فانتزی از اصولی پیروی می‌کند که عبارت‌اند از:

«اصل تعریف منطق خاص: این اصل محدوده عناصر، روابط بین آنها و همچنین رابطه روایت را با دنیای بیرون

مطرح می‌کند.» (جلالی، ۱۳۸۸: ۱۷)



«الف. اصل خودآگاهی: نویسنده فانتزی را بر اساس رؤیایها و تخیل خلاق در وضعیت هوشیاری کامل خلق می‌کند؛ هر چند پیوسته از محتوا و اندرون ناخودآگاهش بهره می‌برد، اما این محتوا بر اساس نقشه‌ای از پیش طرح‌شده شکل می‌گیرد.

ب. اصل اعتبار زبانی: دنیای فانتزی اعتباری زبانی دارد نه حقیقی؛ بنابراین جست‌وجو برای یافتن آنچه در فانتزی‌ها می‌آید در دنیای واقعی کاری بس عبث و بیهوده است.

ج. اصل سرایت‌کنندگی: برای درک فانتزی و دنیای آن، نویسندگان فانتزی‌ها را بر اساس الگوهای تخیلی شکل می‌دهند که به آن «الگوهای تخیل بنیادین» گفته می‌شود. حضور این الگوها فانتزی را برای مخاطبان ملموس می‌کند و در نتیجه، این تخیل به مخاطب سرایت می‌کند.» (همان، ۳۳)

«د. اصل الگوهای تخیل بنیادین: تخیلی که در فانتزی‌ها به کار می‌رود، از ریشه و بُنی برمی‌آید که جهت‌دهنده‌ی روان انسانی در بستر تاریخ است. این تخیل به شکل الگوهای متفاوت اما کاملاً مختلف ارائه می‌شود که به آن «الگوهای تخیل بنیادین» می‌گویند.

ه. اصل طرح آزاد: فانتزی در طرح‌ریزی از اراده‌ی فردی نویسنده پیروی می‌کند و نویسنده می‌تواند مطابق میل خود، اما با در نظر گرفتن ضرورت‌های درونی روایت، به طرح‌ریزی بپردازد.

و. اصل ویژگی خاص: بر اساس این اصل، الگوهای طرحی هر فانتزی یکبار پدید می‌آید و قابل انعطاف و گسترش به فانتزی‌های دیگر نیست و اگر برخلاف این اصل عمل شود، این فانتزی اصیل نیست.

ز. اصل پیش‌بینی‌ناپذیری: دنیایی که نویسنده در فانتزی ترسیم می‌کند، در بیشتر موارد دنیایی که قابل پیش‌بینی باشد، نیست.

ح. اصل پیوستگی درونی: اجزا، عناصر و روابط هر فانتزی به‌گونه‌ای به هم پیوند خورده است که برآیند این پیوندها، در هر فانتزی به قانون تبدیل می‌شود و در همان فانتزی نیز می‌ماند.



ط. اصل تعلیق ناباوری: وقتی مخاطب در ارتباط با دنیای فانتزی قرار می‌گیرد، ذهنش فعالیتی خودکار انجام می‌دهد که به آن «تعلیق ناباوری» می‌گویند؛ به این که هنگام روبه‌رو شدن با جهان یا موقعیت فانتزی از خود نمی‌پرسد که «آیا چنین چیزی امکان دارد؟»

ی. اصل آشنایی‌زدایی عمیق: این اصل، جوهر غیرعادی سازی فانتزی را می‌سازد. «(قزل‌ایغ، ۱۳۸۸: ۵۲)
ک. اصل شگفتی: فانتزی باید بتواند شگفتی ایجاد کند. این دنیای شگفت فراتر از دنیایی است که به طور روزمره در آن زندگی می‌کنیم و زمانی به وجود می‌آید که در نظم دنیای معمولی گسست، تحریف یا تغییری به وجود می‌آید.
م. اصل نسبی‌گرایی فانتزی در برابر مطلق‌گرایی افسانه‌ها: در دنیای فانتزی‌ها برخلاف دنیای افسانه‌ها، هیچ چیز مطلق و هیچ نگاه بسته‌ای وجود ندارد؛ چرا که انسان مدرن در ارزش‌گذاری‌هایش پدیده‌ها را نسبی می‌بیند؛ بنابراین، چنین نگرشی به انسان می‌آموزد که نگاه ثابت و مطلق افسانه‌ها را به دنیای فانتزی‌ها نیاورد.
ن. اصل پایان باز: فانتزی‌ها از قانون تکثر عام که برابری تفکر نوین یا معاصر است سود می‌برد و هیچ محدودیتی را مثل افسانه‌ها در پایان ساختارشان نمی‌پذیرند.

س. اصل دگرگونی و دگردیسی: تغییر پدیده‌ها و قوانین طبیعی و دگردیسی در شکل آنها و ترکیب اشکال طبیعی به قصد اینکه شکل نوینی از آن به دست آید، همه در چهارچوب این اصل می‌گنجد.

ع. اصل بازی‌های زبانی: در فانتزی‌ها چه در ساخت زبانی ارتباطی موجودات تخیلی و چه در تغییر و تحریف زبان معیار، تلاش‌هایی صورت می‌پذیرد که ناشی از درک تخیل زبانی است که وجه تمایز فانتزی با افسانه‌های کهن است. (ر ک کنستانتین، ۱۳۷۴)

ف. اصل ایجاد موقعیت‌های بازی گونه: فانتزی به نوعی به دنیای بازی پیوند دارد یا از آن تأثیر گرفته است. برای مؤلفان، فانتزی امتداد بازی کودکی در سال‌های بزرگسالی است.



ص. اصل محدودیت: در فانتزی‌ها محدودیت حاکم است؛ زیرا طرح داستان بر اساس قانون علیت شکل می‌گیرد. در این داستان‌ها، هر چیزی را در هر زمانی نمی‌توان به کار برد، حتی کاربری جادو و اشیای جادویی نیز مکان و زمان خاص خود را می‌طلبند. (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۵)

۶-۳- شخصیت‌ها و موجودات در فانتزی

«شخصیت‌ها در فانتزی حضوری عینی‌تر و ملموس‌تر دارند؛ علت آن در ماهیت دنیای نو است. در فانتزی‌ها، شخصیت‌ها به‌ویژه نوع انسانی آن، تجلی کافی دارند؛ چرا که برگرفته از دو محور دنیای کهن و نو هستند. شخصیت در فانتزی به دو شکل دیده می‌شود.» (صدیقی مقدم، ۱۳۸۸: ۱۲)

الف. شخصیت‌هایی که ماهیت انسانی دارند.

ب. شخصیت‌هایی که ماهیت غیرانسانی دارند.

شخصیت‌های انسانی صاحب و سازنده جهان واقعی‌اند و شخصیت‌های غیرانسانی از قلمرو جهان فراتری می‌آیند. مورد سوم، فانتزی‌هایی است که فقط در جهان فراتر می‌گذرد و فاقد شخصیت‌های انسانی است؛ مثل جانوران و گیاهانی که دارای صفتی تخیلی‌اند که آنها را از موجودات جهان واقعی متمایز می‌کند.

موجودات در فانتزی‌ها عبارت‌اند از:

«الف. کوتوله‌ها: موجودانی شبیه انسان، اما از نظر اندازه، کوچک‌تر از انسان‌اند.

ب. غول‌ها: هیولاهایی برگرفته از اسطوره و افسانه‌های کهن هستند؛ اینها موجوداتی قوی، اما احمق‌اند که با انسان دشمنی دارند.

ج. جادوگرها: این گروه از شخصیت‌ها بازمانده و عامل تفکر جادویی هستند و حضورشان در فانتزی شباهت زیادی به زندگی واقعی‌شان دارد.» (کانتون، ۱۳۸۷: ۲۶)



«در فانتزی‌ها موجودات اساطیری مانند فان‌ها، سینتارها، اسفنکس‌ها و همچنین اژدها نیز دیده می‌شود. از دیگر شخصیت‌های موجود در فانتزی می‌توان به شخصیت‌های زیرزمینی کهن، شخصیت‌های درون آبی، شخصیت‌های فراطبیعی نو، موجودات نو، شخصیت‌های فضایی، شخصیت‌های ابزاری نو، شخصیت‌های ذهنی، شخصیت‌های جانوری، شخصیت‌های گیاهی، شخصیت‌های اسباب‌بازی و عروسکی، شخصیت‌ها در قلمرو خواب و رؤیا و شخصیت‌های ارواح اشاره کرد.» (همان، ۱۹۹)

۴-۶- بن‌مایه، موضوع و درون‌مایه در فانتزی‌ها

بن‌مایه: فانتزی‌ها از نظر بن‌مایه از افسانه‌های قومی تأثیر پذیرفته‌اند. نویسندگان مختلف بن‌مایه‌های متفاوتی را برای فانتزی‌ها در نظر می‌گیرند؛ مثلاً جان آرتور کوهن در رسالهٔ دکتری خود به نام «یک بررسی روی چهار بن‌مایه کلیدی فانتزی» چهار بن‌مایهٔ فانتزی را چنین معرفی می‌کند:

۱. جهان‌های خلق شده، ۲. جابه‌جایی زمان، ۳. جست‌وجو ۴. نبرد بین نیکی و بدی.

موضوع: در فانتزی‌ها موضوعاتی از قبیل مرگ و زندگی، جدایی خانواده و تنهایی انسان معاصر، دوستی، عشق، عدم ارتباط یا گم‌شدن ارتباط، ارتباط انسانی با موضوعات فضایی، ارتباط با جانوران، ارتباط انسان با موجودات تخیلی کهن و نو، ارتباط انسان، جدایی کودک از خانواده و بزرگ‌ترها، آرمان‌گرایانه، هویت‌یابی یا هویت فلسفی، مسخ‌شدن انسان معاصر، هویت‌یابی عاطفی و قومی و حماسی، ستایش آزادی، آزادی فردی کودکان، نبرد نیکی و بدی، صلح و دوستی و نکوهش جنگ‌طلبی، تفاهم انسان‌ها و فرهنگ‌ها، روان‌شناختی‌ها، تخیل جبرانی، خیال‌پردازی و بازی تخیل، بخت و اقبال، بازی و تفریح، و ماجراجویانه به چشم می‌خورد.



درون‌مایه: درون‌مایه در فانتزی‌ها به ذهنیت نویسنده بستگی دارد. در فانتزی‌ها درون‌مایه‌هایی چون محیط‌زیست، شناسایی و اکتشاف، فلسفی، ارتباط با ناشناخته‌ها، علمی تخیلی، ماجراجویانه، عشق و دوستی، و تمثیل به چشم می‌خورد. (ر ک محمدی، ۱۳۸۷)

۷. ادبیات کودک و نوجوان

«ادبیات کودک در بطن کوششی که این ادبیات به آن معطوف است، قرار دارد. ادبیات کودک به گروهی از کتاب‌ها گفته می‌شود که هستی آن‌ها کاملاً به روابط فرضی‌شان با مخاطبی ویژه - یعنی کودک - وابسته است؛ بنابراین، زیربنای تعریف ادبیات کودک با هدف مشخص می‌شود: این ادبیات می‌خواهد چیزی ویژه باشد، زیرا همین ویژگی است که آن را با مخاطب خویش - کودک - پیوند می‌دهد، یعنی با کسی که این ادبیات آشکارا و هدفمندانه دل مشغول او است» (ابراشتاین، ۱۳۸۷: ۲۹۳).

«معنای ادبیات کودک در بنیادی‌ترین مفهوم، برای هر منتقدی که این عبارت را به کار می‌برد، عبارت است از: کتاب‌هایی که برای کودکان مناسبند و این مناسب بودن، به ویژه از جنبه ارزش‌های عاطفی و اخلاقی مطرح است. چنین دیدگاهی را در باور منتقد کانادایی، میشل لندزبرگ، می‌توان مشاهده کرد: کتاب‌های خوب می‌توانند فایده‌های بسیاری برای کودکان داشته باشند. در بهترین حالت، آن‌ها می‌توانند افق‌های گسترده‌ای را در برابر کودکان بیافرینند و در آنان احساسی عالی از پیچیدگی زندگی ایجاد نمایند. هیچ سرگرمی دیگری این قدر برای گسترش حس همدلی در کودکان مناسب نیست. هیچ لذت دیگری نیز نمی‌تواند ذهن کودک را با نمادها، الگوها، رفاه‌ها و امکانات تمدن این گونه تجهیز کند.» (ابراشتاین، ۱۳۸۷: ۲۹۴ به نقل از لندزبرگ، ۱۹۸۷: ۳۴).

«ادبیات کودکان و نوجوانان مقوله‌ای سهل و ممتنع است. سهل از آن جهت که چون مخاطبان آن کودک و نوجوان هستند، به جد گرفته نشود و گمان برند که می‌شود ساده‌انگارانه به آن پرداخت و ممتنع از این‌روی که عبور از



ساده‌انگاری و رسیدن به درجه‌ای از توانمندی برای ارائه خدمات شایسته به نسل جوان تلاشی بی‌وقفه و مستمر و توأم با سخت‌کوشی و ممارست لازم دارد» (قزل‌ایاغ، ۱۳۸۸: ۱).

«در کلی‌ترین بیان شاید بتوان گفت هدف ادبیات کودک ایجاد ارتباط با کودک است. بدین‌گونه در نخستین نگاه به نظر می‌رسد بر خلاف ادبیات - در معنای محض خود - که گاه ادعا می‌شود بدون توجه به مخاطب خلق می‌گردد، ادبیات کودک لزوماً مقید به مخاطب است» (خسرونژاد، ۱۳۸۹: ۴۱).

«هر اثر ادبی - هر اثر مکتوب - که به‌گونه‌ای هم‌زمان با عاطفه و شناخت کودک درمی‌آمیزد و موفق می‌شود امکان درهم‌آمیزی افق‌های دید و انتظارات آفریننده خویش و کودک را فراهم آورد، ادبیات کودک است» (همان، ۱۳۸۹: ۴۳).

۸. بحث و بررسی

۸-۱- مولفه‌های فانتزی در رمان مردمک‌های قرمز اثر جیران ماهتابی

«مردمک‌های قرمز» نوشته جیران ماهتابی نویسنده معاصر و جوان ایرانی است. این کتاب، رمانی فانتزی است که در ژانر وحشت نوشته شده است. «مردمک‌های قرمز» داستان دختری ترکمن است که حدود سه قرن پیش، در شب نامزدی‌اش به طور اتفاقی به‌وسیله خون‌آشامی روس گزیده و از آن‌پس زندگی‌اش درگیر ماجراهای عجیبی می‌شود. این رمان نخستین اثر ماهتابی است. ماهتابی در خصوص نوشتن این کتاب می‌گوید که افسانه‌های قدیمی ترکمن‌صحرائی که در کودکی شنیده بوده، نقش بسزایی در رشد تخیل و شکل‌گیری داستانی فانتزی در ذهن او داشته است. این رمان با وجود آنکه فانتزی است؛ اما زمینه‌های اجتماعی و تاریخی را نیز در خود دارد.

- جرن سطل پر از آب را زمین گذاشت. کمرش را صاف کرد و با تعجب به آن دو پیرمرد نگاه کرد. پیش خودش فکر کرد «موجوداتی که نه انسان و نه حیوان بودند؟! چنین چیزی امکان نداشت، چه کسی شایعه این مسخرگی رو باور می‌کرد.» (ماهتابی، ۱۳۹۶: ۱۱)



- مردی که جرن را گرفته بود جواب داد: ما خون آشام‌های روس هستیم و برای به‌دست آوردن اطلاعات خاصی به

اینجا اومدیم. (همان: ۱۸)

- موهای بور مرد به‌هم‌ریخته بود و مانند دیوانه‌ها به نظر می‌رسید. صورتش کمتر از بیست سانت با او فاصله داشت.

چشمان مرد به طرز عجیبی سیاه بود. دندان‌های تیزش می‌درخشی و بی‌صبری در چشمانش دیده می‌شد. جرن نفس‌های مرد را روی گردنش احساس می‌کرد. بوی خون و عرق، بینی‌اش را پر کرده بود... و بعد گزشتی که تمام اندامش

را منقبض کرد. (همان: ۱۹)

- خون آشام نگاهش را از پایین تپه گرفت و با لحنی که انگار سعی داشت به کودکی نوپا چیزی بفهماند، گفت: از

این به بعد به خون انسان احتیاج داری و بدنت چیز دیگه‌ای رو قبول نمی‌کنه، تو نمی‌تونی با نخوردن خودتو بکشی چون غریزه خون‌آشامیت این اجازه رو بهت نمیده. قدرتت زیاد می‌شه و می‌تویی تاریکی مطلق ببینی. این فاصله

پانصدمتری بشنوی و قوی و بسیار سریع باشی. (همان: ۲۱)

- به دختر نزدیک شد و در چشمانش خیره شد. حتی احتیاج نبود خواسته‌اش را به زبان بیاورد. فقط تماس چشمی

کافی بود. از دختر خواست که آرام باشد و به او اطمینان داد که هیچ دردی را احساس نمی‌کند. دختر سرش را عقب برد. رگ‌های آبی زیر پوستش دیده می‌شد و نمی‌توانست چشمانش را از آن‌ها بردارد. نفسی کشید و دندان‌های آماده‌اش

را در گردن دختر فرو برد. (همان: ۵۵)

- جرن از اتاقی که در آن نوشیدنی می‌فروختند بسیار خوشش آمده بود و با دیدن یک نوشیدنی پنج‌هزار ساله

ذوق‌زده شد. البته قیمت آن سر به آسمان‌ها می‌زد ولی از خریدنش خوشحال شد. (همان: ۸۲)

- جیسون برگشت و نگاه موشکافانه‌ای به او انداخت و گفت: مشکلی پیش اومده؟ نه مشکلی نیست... فقط

می‌خواستم این بهت بدم. و دستش را به طرف او دراز کرد. درون مشتش بادشده‌اش حلقه زیبایی می‌درخشید که



دورتادور آن با سنگ‌های بسیار ریز اوپال تزیین شده بود. جرن گفت: این حلقه بهت کمک می‌کند تا در برابر جادوی

کنترل ذهن در امان باشی. (همان: ۸۵)

- جرن زیر لب گفت: من همیشه تنها بودم و هیچ‌وقت با آدم‌ها به‌غیراز وقت شکار برخورد نداشتم. جیسون به

آرامی گفت: موضوع رو بزرگ نکن. تنها کاری که باید بکنی اینه که وانمود کنی از خوردن غذا لذت می‌بری و بفرستیش

پایین. بعد سر فرصت محتویات معدهات را خالی کنی. نگران نباش. (همان: ۱۳۱)

- جرن من‌من کنان گفت: نمی‌دونم فکر کنم همین‌طوره. صورتش را برگرداند و دستش را به سمت دهانش برد.

باید مطمئن می‌شد دندان‌های نیشش بیرون زده است و از این کار خود تعجب کرد. نیازی نداشت لمسشان کند. به یاد

حرف جیسون افتاد که می‌گفت: تو یه خون‌آشامی و کنترل بدنت دست خودته. چشمانش را بست و نفس عمیقی کشید.

(همان: ۱۴۱)

- با ارباب چشم در چشم شد، ناگهان زمان ایستاد. انگار کسی در کنار او از جادوی ناپدیدشدن استفاده کرده بود.

حتی هوای اطرافش نیز منجمد شده بود چون نمی‌توانست درست نفس بکشد... او نمی‌توانست اشتباه کند. آن صورت را

با هیچ صورت دیگری اشتباه نمی‌گرفت. آن دهان دویست و هفتاد و شش سال بود که هر شب، در خواب گلوی او را

می‌دردید. (همان: ۲۱۰)

- ارباب "چی" چیزی در گوش دخترش زمزمه کرد و پرنسس "های" به جرن نگاه کرد. مطمئن بود که در مورد او

چیزی گفته؛ اما هر چه تلاش کرد نتوانست چیزی بشنود. آن اهریمن چیزی در اختیار داشت که مانع شنیده شدن

صدایش می‌شد. درست مانند جادویی که در خانه سالور به کار برده بود. (همان: ۲۱۱)

- با تمام قدرتی که داشت خشمش را رها کرد. موج نیرویش چنان شدید بود که پرنسس "های" فریاد کشید و به

زمین افتاد. "ارباب چی" به طور غریزی چهره‌اش را درهم کشید و دستش را برای دفاع مقابل صورتش گرفت. مرد

خون‌آشام به منبع نیرو نگاه کرد، تیر الماسش را نمایان ساخت و یک قدم به عقب رفت. (همان: ۲۳۹)



- سالور مانند کودکی که از خواب بیدار شده باشد با تعجب به اطرافش نگاه می‌کند. وقتی برای از دست‌دادن نداشت رو به سالور گفت: فرار کن! بعد دستش را روی شقیقه‌اش گذاشت و ناپدید شد. (همان)

این جا اولین جایی بود که سالور از او خواسته بود با هم باشند و حالا او تنها و منفور با طلسمی ناشناخته در بدنش آن جا نشسته بود و به آینده نامعلومش فکر می‌کرد. (همان: ۲۶۵)

۸-۲- مولفه‌های فانتزی در رمان نفرین گربه اثر الهام فلاح

نفرین گربه، داستانی ترسناک و ماجراجویی به قلم الهام فلاح نویسنده موفق ایرانی که برای نوجوانان ۱۰ تا ۱۶ سال منتشر شده است. نفرین گربه جز داستان‌های فارسی قرن ۱۴ و رمانی طولانی با محتوایی ترسناک، جادویی و ماجراجویانه است. داستانی ۱۹۷ صفحه‌ای که در ۳۰ فصل به چاپ رسید. آرتین پسر نوجوانی است که در یک خانواده مرفه سه‌نفره زندگی می‌کند. مادر و پدرش همیشه به دنبال جهانگردی و اکتشاف هستند و این چیزی است که آرتین از آن بیزار است. بابا جهانگیر، پدر بزرگ آرتین هم یک تاجر است که هیچ‌وقت نیست؛ ولی همیشه و همه‌جا در حال محبت کردن به آرتین است. آرتین و سینا با برنامه‌های عجیبی که برای خود چیده‌اند درگیر یک ماجراجویی اجباری به همراه گیلی می‌شوند. داستان زمانی وحشتناک می‌شود که یک گربه نحس در اطراف خانه پیرزن و پیرمرد ۱۵۰ ساله پیدا بشود. خانواده‌ای که به نفرین گربه دچار شده‌اند و راه خلاصی ندارند.

- چیزهای جدیدی از لابه‌لای حرف‌های مامان و بابا فهمیده بودم. اینکه آن قبری که پیرزن و پیرمرد هفته‌ای یکبار بالای سرش می‌روند، قبر پس بچه‌ای است که گویا بیش از یک قرن از مردنش می‌گذشت. مامان گفت که پسر بچه را نیش مار تلف کرده. (فلاح، ۱۴۰۰: ۵۵)



- هنوز کمی از کف سفید خمیردندان به گوشه لبش چسبیده بود. سینا گفت: ما اومدیم دیدن اون پیرزن و پیر مرد افسانه‌ای؛ همونا که صدوپنجاه سالشونه. گیلی با تعجب گفت: ها!! و دهان بازش را با دست پوشاند. اما زودی کف مالیده به دستش را با بغل دامنش پاک کرد و گفت: اونجا نفرین داره. شماها دیوونه‌این؟ (همان: ۹۱)
- گیلی به فکر فرو رفت. داشت با خودش سبک سنگین می‌کرد. بعد یکباره انگار چیزی یادش آمده باشد گفت: هر دختری بره نزدیک اون خونه تا آخر عمر شوهر گیرش نمیاد. (همان)
- گیلی گفت: نه اما اون گربه همیشه ربطی به اونا داره. سینا گفت: چه ربطی؟ گیلی گفت: اون گربه همیشه دوروبر اون خونه می‌پلکه. به لحظه هم دور نم‌یشه؛ جز یه وقتایی که بیاد تو قبرستون. (۱۲۱)
- گیلی گفت: همه اهالی اینجا می‌دونن. این گربه یه گربه معمولی نیست. فقط روی همون قبر کهنه می‌شینه و بر و بر مردم نگاه می‌کنه. تازه هر کی تو چشاش زل بزنه کچلی می‌گیره. (همان: ۱۲۲)
- دیگه حسابی نزدیک شده بودیم به دیوار کهنه خانه پر رمز و رازی که بابتش پیه همه جور تنبیه را به تن مالیده بودیم. (همان: ۱۲۸)
- گیلی آهی کشید و گفت: شماها من رو کشوندین دم دیوار این خونه. منم دیگه طلسم شدم. دیگه نه می‌تونم معلم بشم، نه با یکی مثل آقا معلم عروسی کنم. تازه مامانم بفهمه غش میکنه. (همان: ۱۴۲)
- من صدای گربه زیاد شنیده بودم؛ چه گربه‌های ولگرد توی جعبه زباله سر کوچه‌مان، چه از تلویزیون، چه توی باغ فشم بابا جهان‌گیر؛ اما صدای هیچ کدامشان مثل این گربه نبود. صدایش جوری بود انگار داشت به زبان عجیبی حرف می‌زد. صدایش هر بار شکل خاصی می‌شد؛ انگار دارد کسی را تهدید یا خط‌ونشان می‌کشد. (همان: ۱۵۷)
- حرکات گربه از آقای ناظم هم ترسناک‌تر بود... این گربه نبود ازدها بود. می‌خواست یکی از ما را بخورد؛ فقط داشت انتخاب می‌کرد اول از همه کدامان را تکه پاره کند. (همان: ۱۷۰)



- پیرمرد گفت: بچه گربه امانش را بریده بود. هر روز یکی از جوجه‌هاش رو می‌خورد. قدیر اون سال دوازده تا جوجه داشت. بهار بود. همین موقع‌ها. تمام روز کمین گرفت برای بچه گربه. بچه گربه نبود که پلنگ بود لعنتی. سیاه سیاه با دو تا چشم زرد. وقتی چشمش به آدم می‌افتاد زهره آدم می‌ترکید. (همان: ۱۸۳)

- پیرزن گفت: خود ذلیل شده‌اش مار انداخته بود توی لحاف قدیرم. صبح وقتی بیدار شدیم، نشسته بود بالای سر قدیرم. چشم از بچه بر نمی‌داشت. ما که جیغمان بلند شد مار را به دندان گرفت و پرید روی دیوار. (همان: ۱۸۴)

- از اون روز امان نمی‌ده به ما. اون پیر شد و ما پیر شدیم. اون زنده بود و ما زنده بودیم. نفرین کرده بود ما رو. (همان: ۱۸۵)

- پیرزن آهی کشید و گفت: ما سال‌هاست با مردم هم‌کلام نشدیم. از در این خانه بیرون نرفتیم. این همه سال هر کی به این خانه نزدیک شد، یا مرگ ناگهانی سراغش آمد یا اجاقش کور شد یا بختش بسته شد. (همان: ۱۸۶)

۸-۳- مولفه‌های فانتزی در رمان مرده‌ای که حالش خوب است اثر احمد آرام

رمان مرده‌ای که حالش خوب است اثر احمد آرام و ویژه گروه سنی نوجوان است. آرام در این رمان، زندگی پدری عیاش اما دوست‌داشتنی را روایت می‌کند. رمان گرچه آغازی واقع‌گرا دارد؛ اما به تدریج با اساطیر و کابوس‌های سرزمین جنوب در هم می‌آمیزد و حال و هوایی وهم‌آلود و جادویی پیدا می‌کند. پدری که سه بار مرده و سرگذشتی عجیب‌وغریب را تجربه کرده است، مردی با زندگی غیرعادی، بی‌نظم و سرشار از خطاهای کوچک و بزرگ.

- خواب از سرش پریده بود، این را زمانی فهمیدم که خودش لنگونته‌اش را پیدا کرد و به سر و گردن خیسش کشید. کسی که در سال هزار و سیصد و سی، روی اسکله کشته بود یک سروان نظمیه‌خانه بود. حتی بعد از مرگش خیلی‌ها اعتقاد داشتند که شب‌ها او را دیده‌اند که روی پشت‌بام انبارهای گمرک می‌دود. (آرام، ۱۳۹۸: ۲۲)



- اولین چیزی که تو اولین دیدار از او، توی ذهنم به جا مونده چهره مرده‌وار پریده رنگش بود، که چشای ناجوری داشت و دست راستش کشیده‌تر از دست چپش بود. او به گربه‌ها بیشتر از تو نگاه می‌کرد. بعد فهمیدی که او اصولاً به هیچ آدمی نگاه نمی‌کند و فقط گربه‌های سیاه را زیر نظر می‌گیرد. (همان: ۶۰)
- ننه‌ام از باباش نقل می‌کرد و می‌گفت یوسف نامی را یک شب توی خواب آنقدر می‌جووند که فقط استخوانهایش باقی می‌ماند. (همان)
- تو اعتقاد داشتی که هر گربه‌ای هفت تا جن دارد و بابام سیصد و پنجاه تا جن را کشته بود. سر سفره عقد یکی از شرط‌های تو این بود که او دیگر با اشکندی حق ندارد خون گربه‌ها را بریزد. (همان: ۶۳)
- شبی که بعد از مردن بابام اتاق و تختش کاملاً خالی به نظر می‌رسید، ننه‌ام سراسیمه به اتاقم آمد و گفت صدای او را از توی گوش ماهی می‌شنود. هر دوی مان گوش‌هامان را به آن چسپانیدیم. صدایی نمی‌شنیدم. (همان: ۷۳)
- بابام وقتی گوش ماهی را با خودش از بحرین آورد، من و ننه‌ام از بزرگی‌اش یکه خوردیم و خودمان را آماده کردیم تا انگشت‌نمای در و همسایه بشویم. هر چند تا ساعت‌ها ننه‌ام به آن دست نمی‌زد. می‌ترسید نحسی دریا دامنگیرمان شود. (همان: ۷۶)
- آن‌ها اغلب توی یک تشاله‌ای می‌چپیدند و درباره زن‌های چاق و چله‌مصری و جن‌ها حرف می‌زدند. جن‌هایی با سم‌های چدنی. (همان: ۷۷)
- شوهر اول ننه جعفر، در یک ظهر داغ وقتی که خنک‌ترین جای خانه زیر درخت انبه بود، به بهانه سیگار کشیدن به زیر درخت می‌رود و پانزده دقیقه بعد ناپدید می‌شود. خودش تا هنوز می‌گوید غیب شده است. (همان: ۸۱)
- من مطمئنم که این درخت انبه اونو تو خودش برده و انداختش تو یه جای پرتی که دس هیچ آدمیزادی بهش نرسه، بله خواهر اون تو تنه درخت انبه فرو رفت. (همان، ۶۵)



- ماه بعد که عیسی سیاه حالش بهتر شد، از توی همان طارمی به درخت کنار اشاره کرد که آن شبخ نه پدرش بوده و نه ملاباشی، بلکه جنی بلندبالا با سم و صورتی که دیده نمی‌شد، روبرویش ایستاده بود و به او خیره شده بود.

(همان: ۹۲)

- توی اتاق دست و پا می‌زدم او جیغ می‌کشید و می‌خواست رعه‌هایی که توی بدنم می‌دوید مهار کند. نترس

عزیز دلم حالا همشون گورشونو گم می‌کنن و می‌رن. نترس. (همان: ۱۰۶)

- چادرم سنگین شده می‌بینی پسرم خود به خود داره تکون می‌خوره. بعد چادرش را می‌تکاند و خفاش‌های آویزان

به این طرف و آن طرف پرت می‌شدند..... با دستم خفاش‌ها را از جلوی چشم‌هام دور می‌کردم. ولی آن‌ها با دندان‌هایشان

کله و شانهم را گاز می‌گرفتند. (همان: ۱۱۰)

- نور مرده ساعت پنج صبح چقدر مرا ترسانده بود. صورت‌ها یک رقم دیگری شده بودند. صورت‌هایی مسطح که

فقط حفره چشم‌ها توی‌شان سیاهی می‌زد؛ چشم‌هایی که به طور خواب‌زده‌ای پلک می‌زدند. (همان: ۱۷۸)



نتیجه‌گیری

فانتزی به دلیل بهره‌گیری از تخیل و عالم‌غیرواقع از کاربردی‌ترین گونه‌های ادبی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان است. در آثار فانتزی، عمدتاً به نیازهای روان‌شناختی کودک از جمله، میل به دوست داشته شدن و عشق‌ورزیدن، شناخت مناسبات اجتماعی، آشنایی با پدیده‌های جهان و آگاهی‌یافتن از علوم و دانش‌های گوناگون پرداخته می‌شود. کودکان هنگام خواندن آثار فانتزی از قرارگرفتن و تجسم دنیای خیالی و از دیدگاه‌های نامحدودی که پیش‌رویشان گشوده می‌شود، غرق در شادی و لذت می‌شوند. گفتنی است فانتزی ارزشمندترین ویژگی ذهن انسان است و نه تنها نباید آن را پایمال کرد بلکه همانند پرورش حساسیت به موسیقی باید آن را از سال‌های اولیه کودکی، پرورش داد. ارزش چنین قصه‌هایی در این است که تفکر و واکنش‌های عاطفی کودکان را بسط می‌دهد و در ضمن، هویت او را غنی و توانمند می‌کند. با توجه به بررسی سه داستان در بالا به این نتیجه می‌رسیم که در هر سه اثر از مولفه‌های فانتزی کم و بیش استفاده نموده‌اند. در داستان مردمک‌های قرمز اثر جیران ماهتابی، مولفه‌های فانتزی بسیار مشهود است. زمینه این فانتزی، افسانه‌های قدیمی ترکمن‌صحرايي که نویسنده در کودکی شنیده بوده، نقش بسزایی در رشد تخیل و شکل‌گیری داستانی فانتزی در ذهن او داشته است. در این اثر، عنصرهای فراطبیعی حضور دارند که توجه مخاطبان را به خود جلب می‌کند. نویسنده در ابتدا دنیای واقعی را به تصویر می‌کشد و سپس با قرار دادن عناصری از دنیای فانتزی، بین این دو ارتباط برقرار می‌کند. عنصرهایی چون مردان خون‌آشام هستند که از راه خون انسان، تغذیه می‌کنند و با قدرت جادویی خود بین خوبی و بدی ارتباط ایجاد می‌کنند. می‌توان به صراحت گفت که این اثر با شیوه‌های صحیح ورود به فانتزی و انتخاب درون‌مایه مناسب و برجسته‌نمودن شخصیت‌ها بهره‌گرفته است. مولفه‌های فانتزی در داستان مردمک قرمز، ماهتابی بیشتر شخصیت‌های انسانی هستند که به صورت فراطبیعی ظاهر شده‌اند، همچنین نویسنده از کنش‌های جادویی برای ایجاد شگفتی در داستان بهره می‌گیرد. داستان نفرین گربه، رمانی با ماجراجویی از داستان



تخیلی و غیرواقعی از خانواده‌ای است که به نفرین گربه‌ای دچار شده‌اند. شخصیت جانوری داستان، گربه‌ای است که دارای قدرت جادویی می‌باشد که به الگوی تخیلی و جادویی نزدیک است. حضور پیرمرد و پیرزن صد و پنجاه‌ساله‌ای که عمری طولانی دارند و دنیای غیرواقعی را به تصویر می‌کشند. در کتاب مرده‌ای که حالش خوب است، نویسنده ابتدا با به تصویر کشیدن دنیای واقعی به شرح ماجرا می‌پردازد؛ اما به تدریج با اساطیر و افسانه‌های جنوب در هم می‌آمیزد و حال و هوایی وهم‌آلود و به داستان می‌افزاید. نویسنده از طریق گفتگو و کنش شخصیت‌های داستان، مطالب و مفاهیمی را برای مخاطب خود مطرح می‌کند. وجود افسانه‌ها و قصه‌هایی که در داستان وجود دارند و نویسنده آنها را در بطن داستان گنجانده است. حوادث و ماجراهای سرگرم‌کننده و جادویی که در داستان وجود دارد، درون‌مایه ماجراجویانه به همراه دارد. مخاطب همراه با شخصیت قهرمان داستان با حوادث شگفت و سرگرم‌کننده‌ای همراه است. وجود دریا و موجودات دریایی که ساختار اصلی رمان بر مبنای آن شکل گرفته است. نویسنده در بخش فانتزی خود که برگرفته از اسطوره‌های کهن جنوب است، الگوهای تخیلی خویش را از این اساطیر وام گرفته است. در یک‌باهم‌نگری می‌توان گفت فضای ترسناک و فراواقعی در رمان مردمک قرمز، نسبت به دو اثر دیگر، پررنگ‌تر بوده است و از دیگر سو خرافه و افسانه در نفرین گربه و مرده‌ای که حالش خوب است نمود پررنگ‌تری داشته است



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

فهرست منابع

- گران، جان (۱۳۸۸). فانتزی عام و کاهش تخریب در ادبیات کودک، ترجمه مریم جلالی، کتاب ماه کودک، سال دوازدهم، شماره ۸.
- ابریشتاین، کارین لسنیک (۱۳۸۷). تأملی در چیستی ادبیات کودک و کودکی. ترجمه طاهره آدینه پور. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- آرام، احمد (۱۳۹۸). مردهای که حالش خوب است. تهران: افق.
- براون، کارول لنچ؛ کارل ام و، تاملینسون، نیری، پرناز (۱۳۷۴۱۳۷۷). «فانتزی نو». پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۱۳.
- پورخالقی چترودی، مه‌دخت. جلالی، مریم (۱۳۸۹). «فانتزی و شیوه‌های فانتزی‌سازی شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان». نشریه مطالعات ادبیات کودک، دوره اول، شماره ۱، ص ۵۵ الی ۷۳.
- جلالی، مریم (۱۳۸۸). «شیوه‌های فانتزی‌سازی ادبیات کهن». کتاب ماه کودک، سال دوازدهم، شماره ۶ و ۷.
- جمالی، عاطفه. خجسته، فرامرز (۱۳۹۳). «بررسی کارکرد فانتزی در کلیشه‌زدایی (با تحلیل داستان‌های برگزیده برگزیده کودک و نوجوان پس از انقلاب اسلامی)». مجله علمی - پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز. سال پنجم، شماره اول.
- خسرونژاد، مرتضی (۱۳۸۹). معصومیت و تجربه درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک. تهران: نشر مرکز.
- شاه آبادی، حمیدرضا (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر ادبیات کودک. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- صدیقی مقدم، فرحناز (۱۳۸۸). «فرافانتزی و فانتزی نو». کتاب ماه کودک، سال دوازدهم، شماره ۸.
- فلاح، الهام (۱۴۰۰). نفرین گربه. تهران: هوپا.
- قزل ایغ، ثریا (۱۳۸۵). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن. تهران: سمت.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کریمی، ابوذر (۱۳۸۵). «سرچشمه‌های فانتزی در ادبیات کهن فارسی». مجله کتاب ماه کودک، شماره ۱۰۴، ص ۱۶۱ الی ۱۶۸.

کانتون، لورا (۱۳۸۷). «داستان‌های فرافانتزی». ترجمه ترجمه علی خاکبازان، نشریه کتاب ماه کودک، سال یازدهم، شماره ۹.

کنستانتین، جورجیو (۱۳۷۴). «فانتزی در ادبیات کودکان». ترجمه مجید عقیق. تهران: پویش.

گران، جان (۱۳۸۸). «فانتزی عام و کاهش تخریب در ادبیات کودک». ترجمه مریم جلالی، کتاب ماه کودک، سال دوازدهم، شماره ۸.

ماهتابی، جیران (۱۳۹۶). «مردمک‌های قرمز». تهران: موج.

محمدی، محمد (۱۳۸۷). «فانتزی در ادبیات کودکان». انتشارات تهران: روزگار (مجموعه دانش پژوهان).

فرهنگ معین، محمد (۱۳۸۷). «فرهنگ فارسی». جلد دوم. تهران: زرین.

موسوی، مصطفی؛ جمالی، عاطفه (۱۳۸۸). «فانتزی، چپستی و تاریخچه آن در ادبیات جهان و ایران». نشریه ادب، دوره اول، شماره ۲، ص ۶۱ الی ۷۴.

یزدانیان، مهدی (۱۳۸۶). «نقش ادبیات در پرورش احساس‌ها و استعدادهای کودکان». تهران: ابصار.

A Fuzzy genre: Two view of fantasy Gillian adams children's literature;
۲۰۰۰;۲۸;Academic Research library.

Hillman, Judith. (۲۰۰۳). Discovering Children's Literature. Third edition. Ohio: Merrill.

Nodelman, perry & Mavis, Reimer. (۲۰۰۳). The Pleasure of Children's Literature. Boston:

Allyn & Bacon.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

Höfel, A. K. (۲۰۰۹). Current Developments at the Intersection of Fantasy Fiction and British Children's Literature.

www.fa.wikipedia.org.